

Contents

۳	چکیده
۳	کلید واژه:.....
۴	مقدمه
۴	فصل اول: تلاشهای فرهنگی، آموزشی شهید مزاری در داخل کشور
ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. بخش اول: هدف از تلاش های فرهنگی	
۶	۱- تلاشهای فرهنگی
۸	۲- تلاشهای فرهنگی، آموزشی
۹	۳- تلاش های فرهنگی، انتشاراتی
۹	۳-۱- نشریه پیام خون
۱۰	بخش دوم: تلاش های فرهنگی، آموزشی در خارج
۱۱	۱- کانون آموزشی، تربیتی، چهارراه غفاری قم
۱۱	۲- مدرسه حقانی قم
۱۲	۳- مدرسه حجتیه و تلاشهای جنبی
۱۲	۴- مدرسه حضرت قائم (عج) در تهران
۱۲	۵- نهاد فرهنگی، آموزشی باغ فرحزاد
۱۲	۶- آموزش جوانان جبهه شهید ذبیح الله
۱۳	۷- شناسایی استعدادها
۱۴	بخش سوم: تلاشهای فرهنگی، انتشاراتی، در خارج
۱۴	۱- مجله حبل الله، تلاش ماندگار
۱۴	۲- پیام نصر
۱۵	۳- بولتن خبری سازمان نصر افغانستان
۱۵	۴- سراج التواریخ خطی
۱۵	۵- انکشاف ولایات مرکزی هزاره جات
۱۶	۶- تلاش برای ایجاد یک پایه رادیو
۱۷	فصل دوم:
۱۷	۱. دیدار با شخصیت های فرهنگی
۱۷	۱- صلاح الدین ایوبی
۱۸	۲- هانی فحص نویسنده فلسطینی
۱۸	۳- یوسفی از مسئولان مجله الشهید
۱۸	بخش دوم: تلاشهای فرهنگی، بعد از تشکیل حزب وحدت
۱۸	۱- مجتمع آموزشی عالی شهید بلخی در قم
۱۹	۲- تهیه کتب درسی برای مدارس رسمی کشور

- ۳- مدرسه خاتم الانبیا در کابل ۱۹
- ۴- طرح نهضت جهانی اسلام ۲۰
- از آنجایی که اسلام یک آیین جهانی و مکتب بین‌المللی فراملیتی است، لذا هر فرد انقلابی در جنبشهای ۲۰
- منابع و مأخذ ۲۲



بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

چکیده

شهید مزاری یکی از نوادر تاریخ شیعه در افغانستان است که ضمن ارائه طرح و برنامه‌های سیاسی، فرهنگی تحولات عظیمی را در عرصه جهاد و انقلاب اسلامی افغانستان بوجود آورد، و در مقطع کوتاه سیاسی موفق شد، ضمن معرفی هویت کتمان شده تاریخی جامعه هزاره به جهانیان، جایگاه سیاسی تشیع را نیز رسمیت بخشد. شهید مزاری در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی کوشید تا ظلم و استبداد چند صد ساله داخلی را از روی دوش مردم خود بردارد. در این راستا تلاش و فعالیت او در عرصه‌های سیاسی تا حدودی روشن است. بگونه‌ای که می‌توان از مقاومت سه ساله غرب کابل، کارنامه سیاسی شهید مزاری راقرائت کرد. اما تلاش و فعالیتهای او که در دوران جهاد و بعد از آن در عرصه‌های فرهنگ و تعلیم و تربیت، چه در داخل و چه در خارج کشور انجام شده است، ناشناخته مانده است. لذا همت و تلاش انسان‌های متعهد و مسئول را می‌طلبد که فعالیت و خدمات فرهنگی آن شهید بزرگوار را به قلم آورده و به دست نشر بسپارند. تا چراغ راهی باشد برای نسل‌های آینده این ملت. نوشته حاضر در پی آن است که تا ضمن ادای دین خود به قافله سالار ریسمان بدوشان، گوشه‌ای از رنج‌ها و زحمات علمی و فرهنگی او را ولو به صورت اجمال برای خوانندگان محترم معرفی نماید، تا باشد که صاحبان اندیشه و قلم در این راه قدم‌های کامل‌تری بردارند.



کلید واژه: شهید مزاری، خدمات فرهنگی، آموزش، جهاد،

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

مقدمه

سخن گفتن از کسی که بعد از صدها سال علیه ستم، چپاول، انحصارگری و استبداد در صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی ملت خود درخشید، بسی سخت و دشوار است. مردی که از ملت محروم خویش جانانه دفاع کرد و غرور و عظمت فراموش شده و هویت کتمان شده‌ی ملیتهای محروم، به ویژه جامعه هزاره را به آنان بازگردانید. مردی که می‌خواست دیگر هزاره بودن، جرم نباشد و برای اولین بار برادری و برابری ملیتهای ساکن در افغانستان را در سایه اسلام و تحقق عدالت اجتماعی خواستار شد. او با عمق و ژرفایی اندیشه‌ای خود، طراح و معمار جنبش آگاهی بخش در میان مردم سرافراز خویش گردید. و اکنون که بیست و دو سال از عروج ملکوتی آن قهرمان ملی می‌گذرد علی رغم تلاش فراوان مجموعه‌های فرهنگی؛ اندیشمندان و صاحبان قلم در جهت شناساندن شخصیت بزرگ آن شهید والامقام، هنوز هم زوایای زیادی از زندگی و شخصیت و اندیشه آن شهید بزرگوار در هاله‌ای از ابهام و تاریکی قرار دارد. در این باره کارکلاسیک و علمی که درخور شأن آن شهید بزرگوار باشد، کمتر ارائه شده است. شهید مزاری یکی از نادر چهره‌های دنیای سیاست بود، در عین حال که با مشکلات نظامی دست و پنجه نرم می‌نمود، فکرش با غوغای سیاسی و زدوبندهای دیپلماسی درگیر بود؛ ارتباط نزدیک و تنگاتنگ با دنیای آرام اما گسترده و عمیق فکری فرهنگی نیز داشت، و کارفکری را پایه و اساس تمامی کارها به حساب می‌آورد. و خود قبل از این که یک شخصیت سیاسی و یک فرمانده شجاع نظامی باشد، یک شخصیت فکری و فرهنگی برخوردار از حوزه علمیه بود. او برخلاف بسیاری از رهبران سیاسی و قدرتمندان نظامی کشور، نه تنها فعالیت‌های فکری و فرهنگی را کار بیهوده نمی‌دانست که آن را پشتوانه قوی برای مبارزات نظامی و سیاسی به حساب می‌آورد. کارنامه درخشان مبارزات فکری و فرهنگی او به قدری گسترده و وسیع است که همت جمعی نویسندگان متعهد و مسئول را می‌طلبد تا ابعاد گوناگون آنرا به بررسی و تحلیل بنشینند.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۲

بخش اول: تلاشهای شهید مزاری در داخل کشور

بدون مبالغه می‌توان شهید مزاری را یکی از بنیانگذاران سبک جدید دانش آموزی در کشور افغانستان به حساب آورد. چرا که او توانست خط روشنی از خود در این زمینه در صحنه تاریخ وطن ترسیم نماید. کسانی که در امور فرهنگی افغانستان تحقیقاتی انجام داده به این باورند، که اولاً شخصیت‌های سیاسی افغانستان در گذشته و حال توجه چندانی به امور فرهنگی نداشته و ندارند. ثانیاً آن‌هایی که هم طرفدار فرهنگ و امور فرهنگی بوده‌اند. نظر به گرایشات قومی، لسانی، مذهبی، و منطقوی و شرایط نامساعد کشور نتوانسته‌اند روش جامع و روشنی از خود به یادگار بگذارند. بلکه هر کدام در یک بعد فعالیت داشته‌اند، و ابعاد دیگر را به فراموشی سپرده‌اند. تنها کسی که توانست در ابعاد گوناگون فرهنگی و فکری معبری باز کند، شهید مزاری است. و او قبل از این که در صحنه سیاسی مطرح شود در صحنه فرهنگی وارد شد. و به یاد داشت که بنیان‌گذار نهضت اسلامی افغانستان علامه شهید بلخی پس از شکست قیام گفته بود: «من باید پس از ده سال کار فکری تشکیلاتی و مبارزات فرهنگی به چنین کاری

اقدام می‌کردم»^۱ و شهید مزاری هم که هدفش تشکیل حکومت اسلامی و پیاده کردن عدالت و برابری و رفع ظلم و تبعیض در جامعه بود و از طرفی بزرگترین پشتوانه برای تحقق این خواسته‌ها، ملت و مردم را می‌دانست لذا می‌خواست که از طریق مردم به این خواسته‌ها برسد و مردم پیاده کننده منویات او باشند. پس طبیعی بود که رشد فکری و آگاهی مردم و آگاه نمودن آن‌ها از اوضاع و آشنایی با روحیات و باورهای مبارزاتی، نیاز به کارفکری فرهنگی داشت. مخصوصاً مردمی که در سطوح متفاوت از لایه‌های فکری فرهنگی قرار داشتند. مبارزه با اندیشه‌هایی که اسلام را دور از سیاست میدانست و معتقد بودند که در منابر و مساجد سلطان همیشه ظل الله گفته شود. و هم چنین جامعه‌ای که از محرومیت‌ها و مظلومیت‌های خود اطلاعی نداشتند، کار آسانی نیست. و اندیشه‌هایی که همه چیز را به حساب تقدیر و سرنوشت و نصیب قلمداد می‌نمودند، چگونه می‌شد که با این گونه مردم تحول آفرید و رژیم را به چالش کشید. و از این جهت است که می‌بینیم آگاهی دادن به مردم و آوردن آن‌ها به صحنه، در رأس فعالیت‌های فکری فرهنگی شهید مزاری قرار می‌گیرد. و تمام تلاش او در دوران‌های مختلف، چه در دوره‌ای که او به عنوان یک روحانی مبارز شناخته می‌شود و چه قبل از وارد شدن به تشکیلات و حزب وحدت، و چه بعد از تشکیل آن این است که مردم باید در زمینه‌های فکری، فرهنگی تحول ایجاد کند. و مردم با رشد فکری و آگاهی خودشان از حرکت‌های انقلابی حمایت کنند. در این زمینه سرمایه‌گذاری‌هایی هم انجام داد و معتقد بود که یک حرکت بزرگ و جنبش منسجم، نیازمند کادرسازی است. چرا که با حرکت یک نفر و یا چند نفر، محورهای مبارزاتی ضمانت اجرایی و بقاء نداشته و ندارد. و از این جهت است که شهید مزاری تلاش کرد تا کارهای فکری و فرهنگی را در سطح توده‌ها و مردم بکشانند و از این طریق، زمینه را برای ایجاد کادر و رزیده علمی و سیاسی فراهم کند.^۲ لذا اصل در مبارزات شهید مزاری مبارزه فکری فرهنگی بود. و سال‌ها قبل از انقلاب در دوران تحصیل در حوزه علمیه قم درصدد تربیت افراد وطن، برخواست و در این راه کمر همت بست تا جایی که تمامی آشنایان دوران طلبگی شهید مزاری، اعتراف دارند که شهید مزاری برای آنها جا و شهریه درست کرده است. موحد بلخی می‌گوید: «ما که از سوریه آمدم فوراً از سوی ایشان شامل درس‌های مدرسه کرمانی‌های قم شدیم که یک کانون مخفی مبارزاتی بود من و آقای رحمانی، شیخ عوض محقق و چند نفر دیگر شامل درسهای این مدرسه شدیم. و آقای افتخاری معروف به رنجبر و آقای اخلاقی و عارفی ارزگانی و تعداد دیگر از طلاب شامل مدرسه قدیریّه شدند و... جلسات تمرین و حفظ آیات قرآن به صورت موضوعی در تمامی شبهای جمعه در قم برگزار بود. خود شهید مزاری در این جلسات با حرارت شرکت می‌کرد. و به آن متعهد بود». در این باره علما و طلاب آن دوره خاطرات جالبی از فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی شهید مزاری دارند.^۳

تقی واحدی یکی از افرادی است. که گرمای محبت شهید مزاری را به جان و دل لمس کرده است و خود در این باره می‌گوید: «بابه مزاری برای ۳۰ نفر از طلاب جوان که به عنوان کوچولوها، یاد می‌کرد خوابگاهی را در قم

^۱ - مجله سراج، ش ۳ «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» سال اول، ص ۹۶

^۲ - ، زنده تراز تو کسی نیست «تراوشهای روشن»، ص ۷۲

^۳ - مجله سراج، پشین، ص ۹۷

اجاره کرده بود و شهریه (حقوق ماهیانه) اش را خرج خوراک کوچولوها می‌کرد. بابه مزاری هر پنج‌شنبه می‌آمد و برای ما درس می‌داد از دردهای مردم می‌گفت از محرومیت‌های که قرن‌ها بر مردم ما تحمیل شده بود و آنان را همچنان اسیر دیو فقر و جهل نگهداشته بود. می‌گفت چشم‌های امید پدران و مادران تا طرف شماست عمر خود را ضایع نکنید درس‌های خود را پخته بخوانید و یک گپ را هیچ وقت از گوش خود بیرون نکنید اینکه «همت بلند داشته باشید» بابه گاهی وقت داشت درس‌های ما را پرسیان می‌کرد و موقع امتحانات حتماً نمرات یکایک ما کوچولوها را می‌دید این کار او غیرت ما را به جوش می‌آورد که هر چه بیشتر درآموختن درس تلاش کنیم. سال ۱۳۶۴ بود بابه هم چنان روزهای پنج‌شنبه می‌آمد و برای ما صحبت می‌کرد آن زمان به ما نیز فرصت می‌داد که نظرات خود را پیرامون مسائل مختلف بیان کنیم. بابه بعد از ختم درس با علاقه‌مندی تمام نمرات تک تک ما را می‌دید. و ما را تشویق می‌کرد که خوب درس بخوانیم. بابه خود از حوزه شهریه نمی‌خورد ولی برای خیلی از طلبه‌های افغانستان نظر به صلاحیت و ارتباط گیری که با سران حوزه داشت شهریه درست می‌کرد که این را همه اعتراف دارند.^۴

فصل اول: تلاش‌های فرهنگی

شهید مزاری در سال ۱۳۵۵ پس از چهارماه زندانی شدن در ایران از مرز اخراج گردیده و با بدن مجروح و لباس‌های پاره پاره به کابل می‌رود... پس از مدتی اقامت در کابل و دیدار با شخصیت‌های مبارز به مزارشریف می‌رود. و آن جا کتابخانه‌ای را تحت عنوان «کتابخانه جوادیه» تشکیل می‌دهد تا طلاب و دانشجویان را به مطالعه کتاب‌های اسلامی و انقلابی و ادار سازد اما با کمال تأسف به خاطر شرایط نابسامان فرهنگی، این برنامه چندان مورد استقبال و توجه مردم واقع نمی‌شود. اما علی‌رغم مشکلات و موانع باز هم تلاش‌های روشنگرانه آن شهید بزرگوار در مزار شریف مؤثر واقع شده و تعدادی را در خط سیاست و مبارزه می‌کشاند.^۵

در سال ۱۳۶۵ شهید مزاری در مصاحبه‌ای با مجله حبل الله، فعالیت‌های فرهنگی قبل از دوران جهاد، در شمال کشور را اینگونه بیان می‌کند. «...وقتی از ایران خارج شدم رفتم افغانستان در منطقه شمال در مدارس "مزارشریف و چهارکنت" یک سلسله برنامه‌های تربیتی با طلاب ریختم مشغول این گونه مسائل بودم که کودتای ۷ ثور به وقوع پیوست گذشته ازاینکه زمینه کار باقی نماند تحت تعقیب هم قرار گرفتیم و...» شهید مزاری در این دوره تلاش می‌کند که طلاب و قشر باسواد جامعه را با کتاب و کتاب‌خوانی آشنا کند. اما شرایط آن روز جامعه به گونه نبود که کسی به آسانی به کتاب و کتاب‌خوانی گرایش یابد. شهید مزاری جهت تشویق طلاب به مطالعه به آنها پول می‌داد تا کتاب بخوانند. با آن هم تعداد کتاب خوان زیاد نبودند. و شاهد این مدعا گفته‌ای خود شهید مزاری در این زمینه است. که در تابستان سال ۱۳۶۰ وقتی نشریه «پیام خون» از طرف شهید مزاری راه اندازی می‌شود. بصیر احمد دولت آبادی در مقاله تحت عنوان «جبهه ملی پدر وطن» عوامل کودتا را غفلت مردم و عدم تحرک گروه‌های سیاسی

^۴ - زنده تراز تو کسی نیست «آئینه‌های آیینی» ص ۱۰۹

^۵ - هفته نامه وحدت، ش ۱۴۶، «مروری بر زندگینامه شهید مزاری» ص ۴.

ذکر می‌کند. و این کار باعث عصبانیت و اعتراض محمد محقق می‌شود. و می‌گوید: «زمانی که طلاب جوان مبارزه می‌کردند شماها در کجا خواب بودید. که حالا وجود آن‌ها را نفی می‌کنید» اما شهید مزاری به دفاع از آقای دولت آبادی خطاب به محمد محقق می‌گوید: «کجا بود طلاب جوان و علماء مبارز وقتی برایتان کتاب می‌دادم که بخوانید هر وقت که تمام کردید بیاید پول بگیرید بسیاری آنها کتاب را نخوانده پس می‌آوردند حتی به دروغ هم نمی‌گفتند که خوانده‌اند...»^۶

اینکه بسیاری از طلاب شمال تمایل چندان به کتاب و کتابخوانی نشان نمی‌دادند، بارها در صحبت‌های شهید مزاری آمده است و برخی از طلاب آن دوره گاهی به این واقعیت به طور شفاهی نیز اعتراف کرده‌اند اما شهید مزاری هیچ‌گاه از تلاش خود در برابر بی‌میلی و استقبال نکردن طلاب ناامید نشده و کتابخانه‌ای را در مزار شریف تأسیس می‌کند و مسئولیت آن را به حاج غلام رسول چای‌فروش می‌سپارد که با دستگیری او از سوی رژیم کمونیستی کتابخانه و فعالیتهای شهید مزاری از بین می‌رود. محمد محقق که در آن زمان در مزار شریف تحصیل می‌کرده. درباره آشنایی خود با شهید مزاری اشاره می‌کند که تا حدودی تلاشهای شهید مزاری در آن دوره را روشن می‌کند.

«در سال ۱۳۵۵ قصد کردم که به عتبات مقدسه بروم: برای تهیه مقدمات سفر و اخذ پاسپورت به مزارشریف مرکز ولایت بلخ آمدم و از قضا با استاد عالیقدر و قافله سالار مجاهدین، استاد عبدالعلی مزاری برخورددم و مقصود خویش را با او در میان نهادم و استاد ضمن تشریح وضعیت کشور مرا به ماندن و اقامت در داخل کشور ترغیب کرد و همین برخورد سرآغاز آشنائیم با مسائل سیاسی شد و بعد از آن در فکر مطالعه‌ای کتاب‌های سیاسی و آثار عالمان نامداری همچون امام خمینی، استاد شهید مطهری، مرحوم طالقانی، دکتر بهشتی، دکتر شریعتی، استاد جلال الدین فارسی و... افتادم»^۷

با وقوع کودتای کمونیستی در افغانستان تلاشهای شهید مزاری بستر گردید. در فرصت‌های کوتاهی که در نواحی شمال کشور رفت و آمد داشت، علاوه بر تأسیس کتابخانه، فعالیت‌های کتابخوانی، کمک به طلاب جوان و نیز برای روشن کردن افکار جوانان و عامه مردم کتاب فروشی را در شهر مزارشریف واقع در شفاخانه ملکی دایر نمود و مسئولیت آن را به دو تن از طلبه‌های جوان وقت به نامهای شیخ امین معروف به سمیع و سید مصباح «مزاری» که در آن زمان با شهید مزاری کار می‌کردند سپرد، این کتاب فروشی که به سرمایه شخصی شهید مزاری به وجود آمده بود از سوی آقای مصباح برای پیشگیری از خطر دستگیری، بسته شده و سالها به همان حال باقی ماند و سرانجام با اسارت و شهادت شیخ امین و هم چنین شهادت آقای مصباح در سال ۱۳۷۳، سرنوشت کتاب فروشی به فراموشی سپرده شد.^۸

^۶ - مجله سراج، ش ۳، پشین ص ۹۸

^۷ - فصل آزادی، ص ۲۱۴

^۸ - مجله سراج، ش ۳، پشین ص ۹۸

فصل دوم: تلاش‌های فرهنگی، آموزشی

با پیروزی کودتای کمونیستی در افغانستان هزاران نفر جان خود را از دست دادند. علما و روشنفکران در رأس پیکان تعقیب و نابودی قرار داشتند و شهید مزاری که از سال ۵۵ و ۵۶ در شمال کشور مشغول فعالیت‌های فرهنگی بود نیز مورد تعقیب و پیگیری قرار گرفته و بناچار کشور را ترک کرده و در خارج از افغانستان به فعالیت‌های سیاسی پرداختند، قدر مسلم این است که شکست کمونیست‌ها در چهارکنت و اطراف آن آزادی این نواحی به دست مردم فرصت خوبی برای شهید مزاری به وجود آورد، تا طرح‌ها و برنامه‌های درازمدت خود را به کارگیرد؛ لذا در اواخر سال «۱۳۵۹» وقتی شهید مزاری به چهارکنت آمد، تمام نواحی کوهستانی شمال کشور توسط مجاهدین اداره می‌شد و شهید مزاری هم توانست. برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و تربیتی خود را در پایگاه‌های تابعه چهارکنت، شولگره، دره صوف، چمتال، دولت آباد و دیگر نواحی شمال کشور گسترش دهد. در کنار برنامه‌های آموزشی، نظامی، آموختن کتب فارسی، حفظ آیات قرآن کریم و احادیث نبوی را نیز برای بی سوادان و کم سوادان روی دست گرفت چون افراد جمع شده در پایگاه‌ها از نظر سواد، سن، و سطح زندگی با هم متفاوت بودند و آموزش آن‌ها برنامه‌های مختلف و گوناگونی را می‌طلبید و یک سان سازی مشکل بود و شهید مزاری برای هر کدام برنامه خاصی ریخته بود. از این جهت علاوه بر آموزش سلاح و تاکتیک‌های نظامی که برای عموم اجباری بود. آموختن قرآن برای بی سوادان و کم سوادان نیز اجباری بود و برای دیگران در سطوح مختلف درس‌های گوناگون در نظر گرفته شده بود.^۹

مدرسه نانوائی که زمانی محل تحصیل دروس شهید مزاری بود. از سال ۱۳۶۰ به پایگاه اصلی فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و کانونی برای ترویج اهداف دینی و مذهبی شهید مزاری تبدیل شده بود. جوانان و نوجوانان مشتاق با خلوص نیت و ایمان کامل پروانه وار گرد شمع وجود شهید مزاری جمع می‌شوند و از برکت وجود او استفاده می‌برند و تمام برنامه‌ها و فعالیت‌های شهید مزاری در کتاب (از چهارکنت تا شمیران همراه با استاد مزاری) منتشر نشده آمده است. و فعلاً این کتاب در اختیار جناب دولت آبادی قرار دارد. وما با استفاده از مقاله ایشان، به گوشه‌ای از فعالیت‌های شهید مزاری اشاره می‌کنیم. «صبح زود با صدای ملکوتی اذان از حجره‌های مدرسه بیرون می‌دویدیم. پس از وضو و خواندن نماز صبح باچورک (سوت) یکی از بچه‌های دلزنده نظامی به صف می‌ایستادیم و با خواندن سوره‌ای از قرآن کتاب آسمانی، الله اکبرگویان به طرف تپه‌های اطراف می‌دویدیم. شعارهای گوناگون در حال دویدن سر داده می‌شد که به کوه و دره می‌پیچید با هیبت و صلابت چند برابر انعکاس می‌یافت. سوره‌های کوچک در حال دویدن خوانده می‌شد و... دوباره با حالت دویدن به طرف مدرسه راه می‌افتادیم شعارها، و آیات قرآن کریم، پشت سر هم تکرار می‌شد و از دور می‌دیدم که استاد شهید (که همزمان با خروج ما از مدرسه بالای بام مسجد برآمده بود) هنوز قدم می‌زند و به افق‌های دوردست نظاره داشت و حرکات بچه‌ها را کنترل می‌کرد و... وقتی به مدرسه می‌رسیدیم با نظم خاص و ادای احترام به دو صف روی صفا مسجد می‌نشستیم و به ترتیب هر

^۹ - زنده تر از تو کسی نیست «آینه‌های آیینکی»، ص ۸۰

کدام چند آیه از کلام الله مجید را قرائت می‌کردیم که استادان فن اشتباهات بچه‌ها را تذکر می‌دادند و خود استاد شهید آرام در گوشه‌ای نشسته جلسه را نظارت می‌کرد و... با تمام شدن صبحانه همه در مدرسه جمع می‌شدند و استاد شهید روزی یک آیه از جزء اول قرآن کریم با ترجمه و تفسیر درس می‌گفت و فوراً آن را از یکایک بچه‌ها با حفظ ترجمه می‌پرسید. بعد از درس استاد شهید، بچه‌ها به دسته‌های گوناگون تقسیم می‌شدند. گروهی را محمد محقق از کتاب استاد شهید مطهری درس می‌گفت و اگر او نبود شهید سخی داد علوی یکی از طلاب قدیمی مدرسه این وظیفه را به عهده می‌گرفت. گروه دیگری پای درس آقای محسنی جمع می‌شدند. و گروه دیگر کم سوادان بودند که کتب ابتدایی را می‌آموختند و تعدادی هم تازه به خواندن و نوشتن پرداخته بودند. ظهر یکی از بچه‌ها اذان می‌گفت و همه دوان دوان وضو گرفته در صف جماعت حاضر می‌شدیم و پس از ادای نماز چند مسأله از کتاب توضیح المسائل امام خمینی «ره» خوانده می‌شد و مسائل قبلی پرسیده می‌شد و... ساعت ۳ بعد از ظهر برنامه تمرین سخنرانی شروع می‌شد بچه‌ها صحبت می‌کردند و دوباره نوار آن را در جمع می‌شنیدند و کسانی که خوب صحبت کرده بود مورد تشویق قرار می‌گرفتند و...»^{۱۰}

اما در پاییز سال «۱۳۶۰» بعد از جنگ معروف کوبائی‌ها^{۱۱} که تنگی شادیان از دست مجاهدین خارج و به دست دولتی‌ها افتاد. تغییراتی در سیستم آموزشی شهید مزاری در مدرسه نانوایی به وجود آمد. و مدرسه نانوایی به جای تنگی شادیان محل استقرار نظامی‌ها شد. و فرهنگیان به پایگاه شرشرانتقال یافتند و شهید مزاری جهت برنامه‌های آینده تعدادی از بچه‌های درس خوان را که استعداد خوب داشتند برای تحصیل به ایران فرستاد، و خود ایشان با حاج معلم در ماه جدی همان سال چهار کنت را به مقصد ایران ترک کرد تا امکانات آموزشی بیشتری را فراهم کند. لذا با برگشتن شهید مزاری در سال «۱۳۶۵» بداخل کشور، مدارس رونقی تازه‌ای یافت و در کنار مدارس سنتی مدارس تعطیل شده عصری نیز در بسیار از نقاط کشور از نو فعال گردید که می‌توان از لیسه شولگره و مدارس شمال کشور نام برد.

فصل سوم: تلاش‌های فرهنگی، انتشاراتی

نقش شهید مزاری در ایجاد و بنیان‌گذاری تشکلهای فرهنگی، انتشاراتی به مراتب برجسته‌تر از تشکلهای آموزشی، تربیتی است؛ چرا که مراکز آموزشی به نحوی با طرح و برنامه دیگران ارتباط می‌یافت که تعداد افراد سودجو، می‌توانستند نقش شهید مزاری را نفی یا کم رنگ جلوه دهند چنانچه در برخی مواقع چنین شده است. ولی در تشکلهای انتشاراتی که شهید مزاری مؤسس آن‌ها بوده چه در گذشته و چه در آینده هیچ فردی قادر به نفی و یا کم رنگ جلوه دادن نقش این بزرگوار نخواهند شد.

نشریه پیام خون: شهید مزاری پس از استقرار در مدرسه نانوایی چهارکنت در سال ۱۳۶۰ طرح راه اندازی یک نشریه را روی دست می‌گیرد و بدین لحاظ یک دستگاه ماشین تحریر دستی همراه با پلی کپی تهیه می‌کند که پس

^{۱۰} - مجله سراج، ش ۳، ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» سال اول، ص ۱۰۰

^{۱۱} - «چون در آن جنگ کماندوهای کوبایی فرماندهی نیروهای دولت علیه مجاهدین رابه عهده داشتند به جنگ کوباییها معروف شده است»

از انتقال آن‌ها به مدرسه نانوایی، کارهای مقدماتی شروع می‌شود و برای آماده‌سازی نیروی انسانی کسی را به کابل می‌فرستد، تا کار باماشین تحریر را بیاموزد و فرد دیگری کار با پلی‌کپی را به طور نسبی از دره صوف، یاد می‌گیرد و با رسیدن محموله کاغذ به مدرسه نانوایی کار انتشاراتی با کیفیت نه چندان مطلوب آغاز می‌گردد. ابتدا از نشر اعلامیه‌ها شروع می‌شود و بعد تحت نظارت خود شهید مزاری تعدادی از باسوادان و مسئولان ملزم به تهیه مطالب برای نشریه می‌گردند. از جمله محمد محقق وادار ساخته می‌شود تا مقاله بنویسد که او هم مقاله‌ی تحت عنوان (ارتجاع چیست؟ ومرتجع کیست؟) می‌نویسد و «پیام خون» تا چند شماره ادامه می‌یابد و باسفر شهید مزاری به خارج و تحولات سال ۱۳۶۱ چهارکنت «پیام خون» برای مدتی تعطیل می‌شود. پس از آنکه شهید مزاری وسائل فرهنگی بهتری را به شولگره می‌فرستد. نشریه ای «پیام خون» دوباره فعالیتهای خود را از سر می‌گیرد.^{۱۲}

بخش دوم: تلاش‌های شهید مزاری در خارج از کشور

فصل اول: تلاش‌های فرهنگی

از آنجایی که شهید مزاری نیز به اندازه توان خود سهمی، در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته است. به همان خاطر بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، چشم امید به مسئولان نظام جدید می‌دوزد تا بتواند از این طریق به مردم و کشورش کمک نماید و بیش از همه انتظار دارد که کمک‌های فرهنگی جمهوری اسلامی را جذب کند. شهید مزاری در سال ۱۳۶۵، در مصاحبه چاپ نشده با مجله حبل الله، تلاش‌های فرهنگی خود بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را این گونه بیان می‌کند: «از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا به حال «۱۳۶۵» ما به نوبه خود تلاش‌های در این باره داشته‌ایم و سعی بی‌دریغ نمودیم که تمام مسئولین ذیربط را از نزدیک ملاقات کنیم تا جوانان ما را به دانشگاه بپذیرند، در زمان حکومت موقت وقتی مسأله را مطرح کردیم حرف از مدارک و اسناد به میان آوردند که با شرایط دانشجویان مسلمان که اکثراً فرار کرده بودند وفق نداشت، آقایان که در رأس حکومت موقت بودند آنقدر درک نداشتند یا درک نمی‌کردند که مسئله انقلاب و مبارزه چیست؟ بیشتر غربی فکر می‌کردند، و شما دیدید که بعداً دانشگاه‌ها کاملاً تعطیل شد. و تلاش‌های ما به جایی نرسید چون چیزی وجود نداشت، دویدن برای آن نیز بی فایده بود. به اثر همان تلاش‌ها بود که شهید رجایی زحمات فراوان در این باره کشیدند و مسئله‌ی دانش آموزان را حل نمودند که این نعمت بسیار بزرگی برای ملت مهاجر ما محسوب می‌گردد، چون دانش‌آموزان هیچ گونه مشکلی از نگاه لسانی به خود احساس نمی‌کنند برخلاف سایر کشورها که دانش‌آموز مجبور است مدتها وقت خود را صرف یادگیری زبان آن کشور کند، بعد از بازگشایی دانشگاه‌ها باز هم ما به فعالیت افتادیم چون دو سال دانشگاه تعطیل بود تعداد دانشجویان خود شان هم زیاد شده و از نگاه اقتصادی هم با مشکل روبه رو بودند و با آن هم وعده می‌دادند که هرگاه مشکلات رفع شود و امکانات تهیه گردد، تعدادی از دانشجویان ما را به دانشگاه می‌پذیرند سرانجام پارسال ۱۳۶۴ برای دانشگاه حدود ۵۸ تن از دانشجویان ثبت نام

^{۱۲} - مجله سراج، ش ۳، پیشین، ص ۱۰۵

کردند، و قول دادند که سالانه ۵۰ الی ۶۰ نفر از دانشجویان افغانستانی را جذب کنند ولی آنچه به نظر می‌رسد و باید به دانشجویان عزیز بگویم این است که زمینه ایجاد مراکز فرهنگی از برکت بازوان توانمند مجاهدین ما در داخل به وجو آمده زیرا سرزمین آزاد شده داریم هردانشمند و عالمی که خواسته باشد برنامه ریزی کند می‌تواند آنجا کانون علم و تخصص به وجود آورد. بر فرض اگر آمریکا صد نفر را به دانشگاه جذب کند و پاکستان هم همینطور و حتی ایران هم مسأله را پذیرفت. این درد ملت ما را دوا نمی‌کند که کسی به این دل خوش کند. بهتر است که ما خودکفا باشیم و شعور انقلابی را با احساسات پاک انقلابی در سرزمین آزاد شده خود به جوانان خود به وجود آوریم. هرگاه مدارس دینی، مدارس مروج دولتی گذشته و دانشگاه به وجود بیاید این چیزی مؤثر خواهد بود. اگر ما این آرمان را تحقق بخشیدیم و همت به خرج دادیم چه کشورهای همسایه کمک کند و چه نکند به هدف رسیده ایم ولی هرگاه خود این توانایی را نداشته باشیم، کمک همسایگان در این زمینه به نظر ما چندان مؤثر نیست. از این رو از دانشمندان محترم و مسئولین، برادرانه تقاضا دارم که درباره آینده انقلاب فکر کنند و در هر رشته برنامه ریزی داشته باشند». با توجه به این مصاحبه، حقایقی روشن می‌شود که ممکن است تا هنوز بسیاری از مردم ما از آن غافل مانده باشند و آن نقش شهید مزاری در راه اندازی برنامه‌های درازمدت فرهنگی است که تلاشهای آن شهید بزرگوار در زمینه‌های فرهنگی به اندازه‌ای گسترده است که هرگاه فتوکپی نامه‌های او روزی بیرون داده شود باب تازه در این مورد باز خواهد شد.^{۱۳} اما تلاشهای آشکار شهید مزاری در دوره چهارساله استقرارش در جمهوری اسلامی ایران از این قرار است.

فصل دوم: تلاش‌های آموزشی،

۱- کانون تربیتی، چهارراه غفاری قم: همان طوری که قبلاً یادآوری شد، شهید مزاری قبل از سفر سال ۱۳۶۰، به ایران تعداد از جوانان و نوجوانان را از مدرسه نانوایی چهارکنت به ایران فرستادند؛ که همزمان با ورود ایشان آنها نیز از طریق پاکستان وارد ایران شدند و تعداد دیگری نیز همراه آنها دور شهید مزاری جمع شدند و شهید مزاری برای آنها منزلی را در چهارراه غفاری قم اجاره نمودند. با تهیه امکانات رفاهی که در خور شأن طلاب افغانستان است، استادان را هم برای آنها در نظر گرفتند که علاوه بر درس حوزوی شیوه نویسندگی و سخنرانی و غیره نیز به آنها آموزش دهند. همین افراد که آن روز کوچولوها شهرت یافته بودند، اینک هرکدام نقش اساسی و بارزی را در داخل کشور بازی می‌کنند و هرکدام به پست و مقامی رسیده‌اند.

۲- مدرسه حقانی قم: شهید مزاری در نظر داشت تا برای آینده کشور، افراد تحصیل کرده را با تخصص‌های مورد نیاز جامعه تربیت نماید و این کار از عهده کانون تربیتی، آموزشی چهارراه غفاری نظر به برخی از محذورات ساخته نبود. لذا در تلاش شد تا تعدادی از طلاب جوان را در مدرسه حقانی که دروس حوزه را تحت برنامه خاص فرا می‌گرفتند. شامل سازند که پس از کوشش فراوان و دیدن شخصیت‌های ذی نفوذ موفق شد چند تن از

^{۱۳} - مجله سراج، ش ۳، پیشین، ص ۱۰۱

جوانان را در این مدرسه شامل سازد و امید داشت که این افراد تربیت شده گره از مشکلات کشور و مردم باز نمایند.

۳- مدرسه حجتیه و تلاشهای جنبی : تعدادی از طلاب که در کانون تربیتی، آموزشی چهارراه غفاری به سر می بردند و در نظام آموزشی کشور میزبان شرکت کرده بودند. مصارف آنها شهید مزاری را به فکر انداخت که هرگاه خود به داخل کشور برگردد. آنها با مشکلات مواجه خواهند شد. لذا برای خودکفاء شدن، آنها را شامل مدرسه حجتیه ساخت و برای شان منزلی را با همکاری مقامات حوزه تهیه نمود. تا دانش آموزان تحت پوشش مدارس رسمی نیز بتوانند با استفاده از این برنامه ها به درس خود ادامه دهند. و تلاش شهید مزاری از طلبه های مبتدی آن روز، اینک شخصیت های صاحب نام و نشان ساخته اند که هر کدام در رشته های گوناگون فرهنگی سهم گرفته اند.

۴- مدرسه حضرت قائم(عج) در تهران : این مدرسه که به همت مبارزان عراقی دایر شده بود طلاب و دانشجویان خود را از کشورهای مختلف جهان برمی گزیدند و برنامه های درسی بیشتر به زبان عربی بود. شهید مزاری با این هدف که شاگردان علاوه بر دروس مورد نظر، زبان عربی را نیز آموخته و با دنیای اسلام آشنا گردند. تعدادی را در این مدرسه شامل ساخت، که این گروه رشد خوبی داشتند و اکثراً با مسائل فرهنگی از قبیل ماشین تحریر، تکثیر و چاپ با دستگاه پلی کپی و کارهای هنری آشنا شدند. در نتیجه شخصیت های برجسته فرهنگی و نظامی از این مدرسه بیرون آمد.

۵- نهاد فرهنگی، آموزشی باغ فرحزاد: در ابتدا این مکان استراحتگاه نظامیان مجروح و خسته از جنگ در نظر گرفته شده بود و بعداً به کانون فرهنگی تبدیل شد. و مسئولین تمامی مدارس ارتباطی، آنجا را محل آزمایش نظریات و یافته های خود قرار داده بودند و هم چنین افراد نظامی متمایل به درس نیز می توانستند شامل برنامه های درسی شده و پس از گذراندن دوره مقدماتی به مدارس حوزه ای و یا مدارس شبانه رسمی معرفی شوند. دستاورد این مرکز فرهنگی تحویل دادن تعدادی عکاس، فیلمبردار و افراد وارد در برخی رشته های هنری بود. و در این مکان افراد گوناگون گرد آمده و تربیت می شدند. حتی تعدادی از جوانان اسماعیلیه بدخشانی را شهید مزاری در هنگام مسافرت از پاکستان با خود آورده و مشمول برنامه های درسی ساخت که به خاطر هماهنگ نبودن برنامه های این کانون با روحیات آنها بزودی پراکنده شده و دوباره به پاکستان برگشتند.

۶- آموزش جوانان جبهه شهید ذبیح الله : شهید مزاری با افکار بلندی که داشت. زمینه آموزش و تحصیل تعداد از طلاب و جوانان سنی مذهب، از جبهه شهید ذبیح الله را در قم فراهم ساخته بود، اما نظر به محیط و شرایط موجود این تلاش ها ثمر چندانی را در پی نداشت؛ چرا که استادان و مسئولان امر، نتوانستند برنامه را مطابق خواست آنها بریزند. در نهایت آنها از درس دلزده شده و رها کردند. علاوه بر این مراکز که شهید مزاری در بنیانگذاری و

تدارک امکانات آن‌ها نقش اصلی را داشت، در مؤسسات و نهادهای دیگر نیز سهم برجسته‌ای در جذب و راه‌یابی جوانان به مراکز آموزشی داشته است و هم چنین زمینه رفتن تعدادی از دانشجویان را به خارج فراهم ساخت تا بتوانند تخصص‌های لازم و مورد نیاز کشور را بیاموزند. آنچه نام برده شد نهادها یا مراکزی بود. که تحت نظارت مستقیم یا توسط شخص شهید مزاری به وجود آمده بود. در حالی که برای راه‌اندازی مدارس داخل افغانستان و تهیه شهریه طلاب و دستگیری از خانواده‌های شهدا، تلاش‌های فراوانی را انجام دادند که هر کدام در جای خود قابل بحث و بررسی است.^{۱۴}

۷- شناسایی استعدادها: یکی از خصوصیات شهید مزاری تلاش برای کشف استعداد افراد بود. او باور داشت که خداوند در نهاد هر انسانی قدرت و توانایی خارق العاده‌ای قرار داده است که کشف آن زمینه می‌خواهد، او با این دید همه را تشویق می‌کرد تا استعداد خود را به ظهور رسانده و به نمایش بگذارد. لذا چه در چهارکنت و چه در قم و تهران همواره دیگران را وادار می‌کرد که سخنرانی کند و خودش گوش می‌داد. اگر کاری داشت بعداً نوار را با حوصله‌مندی از اول تا آخر گوش می‌کرد و به هر کس تذکرات لازم را می‌داد و به یکی می‌گفت تو خوب سیاستمدار می‌شوی و به یکی می‌گفت تو خوب منبری می‌شود و به دیگری می‌گفت تو محقق می‌شوی خلاصه همه را به نحوی روحیه می‌داد و تشویق می‌کرد تا افراد احساس شخصیت کنند، «رضی نعیمی» که که دلسوزی و استعدادپروری شهید مزاری را به جان و دل لمس کرده است می‌گوید: «زمستان (۱۳۶۱) در قم شبهای جمعه هر هفته جلسه‌ی تمرین داشتیم استاد از تهران شرکت می‌کرد مقاله‌ها را به دقت گوش می‌داد و نقد و بررسی می‌کرد همه نوشته‌ها را با خود به تهران برده مطالعه می‌کرد. هفته‌ی بعدش همه را برمی‌گرداند و برای بهترین مقاله جایزه می‌داد. من مقاله‌ای نوشته بودم در یک صفحه آن را هم با خود به تهران برد هفته بعد وقتی برگشت مرا صدا زد و گفت: نعیمی سعی کن زیاد بنویسی در غصه خوب و بدش نباشی بنویس بنویس و...»^{۱۵} قاسمعلی رحمانی که خود از یاران دوران طلبگی شهید مزاری است. می‌گوید: «شهید مزاری در مدرسه حجتیه محفل و مجلس سخنرانی برای ما دائر نموده بود. و درباره جهاد و فضیلت آن با استناد به آیه مبارکه {فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا} ۱۶. و همچنین آیه مبارکه نفر {فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ} ۱۷. و آیات امر به معروف و نهی از منکر استدلال می‌نمود و به تبیین و تشریح آن می‌پرداخت و دیگران را به امر مقدس تبلیغ و رفتن در میان مردم ترغیب و تشویق می‌کرد. و از ضرورت جهاد و مبارزه مستمر تاریخی از زمان آدم ابوالبشر تا ظهور حضرت مهدی «عج» را به عنوان سنت انبیاء و اولیاء الهی یاد می‌کرد و می‌فرمود مابه عنوان سربازان امام زمان «عج» و پیروان مکتب تشیع و اسلام وظیفه اقامه حق و عدالت

^{۱۴} - مجله سراج، ش ۳، پیشین، ص ۱۰۳

^{۱۵} - زنده تر از تو کسی نیست «آیین‌های آیینکی» ص ۱۰۶

^{۱۶} - قرآن کریم، سوره نساء/ ۹۵

^{۱۷} - قرآن کریم، سوره التوبة/ ۱۲۲

رادرکشور خود داریم. تا جایی که خود شهید مزاری یک بار به بندر، تبلیغ رفته بود و می گفت با رفتن در میان مردم به رمز و راز زندگی و درد و رنج آنان آشنا می شوید و چگونگی رفتار با مردم و خدمت به آنها را یاد می گیرید»^{۱۸}.

بخش سوم: تلاشهای فرهنگی، انتشاراتی، در خارج

فصل اول: مجله حبل الله، تلاش ماندگار

اواخر سال ۱۳۶۱، درکنار دیگر تلاشها، شهید مزاری در پی ایجاد یک نشریه مستقل برمی آید که بتواند مطالب را به بصورت آزاد و به دور از چارچوب گروه و حزب، به دست انتشار بسپارد. لذا در بهار سال ۱۳۶۲ شهید مزاری با هماهنگی قبلی با مسئولین «مجله الشهدا» بصیراحمد دولت آبادی و حاج معلم حبیب و افراد دیگری رابرای آموزش امور نشریه داری و صفحه آرایی به مؤسسه الشهدا واقع در خیابان کشاورز تهران می فرستند. پس از شور و مشورت در جمع بزرگان، نام آن را «ارگان نشراتی سید جمال الدین حسینی» و نام نشریه را هم «حبل الله» می گذارند و برخی هم اصرار دارند که ارگان به نام شهید علامه بلخی باشد. هر چند در پرونده اولیه وزارت ارشاد صاحب امتیاز خود شهید مزاری و مدیرمسئول بصیر احمد دولت آبادی ثبت می شود. اما بعداً که در پیچ وخم اداری و ضوابط قانونی با مشکل مواجه می شوند پرونده امتیاز به نام آقای سید شهاب الدین شهاب تغییر می کند. با تمام مشکلات که لازمه هرکاری ابتدایی است شماره آزمایشی حبل الله در اواخر سال ۱۳۶۲ از چاپ بیرون می شود اما پخش آن به خاطر مسافرت شهید مزاری به پاکستان و نداشتن جواز پخش، تا بهار سال ۱۳۶۳ معطل می ماند. شهید مزاری در چاپ و نشر مقالات دقت و سخت گیری زیادی داشت با همه گرفتاری خود یکایک مقالات را می خواند و اصلاح می نمود و گاهی یک مقاله را چندین بار توسط بصیراحمد دولت آبادی بازنویسی می کرد و هر بار راجع به نکات اصلاحی آن تذکراتی می داد. این جا است که باید گفت «مجله حبل الله» به ابتکار شخصی شهید مزاری بنیان گذاری شده است. و تا آخر هم تحت حمایت و پشتیبانی مالی و معنوی ایشان قرار داشت و غیر از ایشان هیچ فرد دیگری نمی تواند مسئول حقیقی و حقوقی آن باشد.^{۱۹}

۲- پیام نصر: نشریه دانشجویان سازمان نصر» به ابتکار و طرح شهید مزاری توسط طلبه های جوان که در مدرسه حضرت قائم (عج) در تهران، معروف به مدرسه عرب ها درس می خواندند. بوجود آمد. اکثریت قاطع محصلین مدرسه مذکور با شور و شوق زاید الوصفی در این نشریه جمع شده و آن را منتشر می کردند. و اکنون گردانندگان آن روز پیام نصر هر کدام شخصیت های برجسته ی فرهنگی اند که در بخش های مختلف فرهنگی در داخل و خارج کشور مشغول فعالیت اند. گروه پیام نصر فعالیت های جنبی دیگری از قبیل ساختن سرود، فیلم، تئاتر و غیره نیز داشتند که پس از رفتن شهید مزاری به داخل و تحولات دیگر در درون و بیرون از مدرسه از فعالیت باز ماندند و شماره های گوناگون آن یادگار تلاش فرهنگی شهید مزاری است.

^{۱۸} - پیشین، ص ۸۹

^{۱۹} - مجله سراج، ش ۳، ص ۱۰۹

۳- بولتن خبری سازمان نصر افغانستان: یکی از برنامه‌های همیشگی شهید مزاری این بود که مرتب اخبار تمام رادیوها را می‌شنید و حتی وقت گرفتاری به اخبار ضبط شده رادیوها گوش می‌داد. از قرار معلوم این عادت تا زمان شهادت ایشان هم چنان وجود داشته است، اما در تهران ابتدا رادیوها ضبط می‌شد تا همه بشنوند و بعدها شهید مزاری دستور دادند که نوارها پیاده شده با وسایل تکثیر به شکل جزوه درآیند. بولتن خبری سازمان دربرگیرنده همان اخبار رادیوها بود. که توسط محصلین مدرسه عرب‌ها راه اندازی شده بود تا شماره ۱۶ از کیفیت خوبی برخوردار نبود. بعد از آن علاوه بر اینکه قطع آن از وزیری به رقی تغییر یافت در کیفیت و محتوای آن نیز تغییراتی داده شد، انتشار بولتن خبری با وقفه گاهی مرتب تا تشکیل حزب وحدت ادامه پیدا کرد و پس از آن تحت نام بولتن خبری حزب وحدت درآمده و سرانجام با بیرون شدن تجلی وحدت تعطیل شد.^{۲۰}

۴- سراج التواریخ خطی: شهید مزاری علاقه‌ی خاصی به تاریخ افغانستان و سرنوشت مردم آن داشت. لذا در سفر سال ۱۳۶۵ به داخل کشور، گزیده‌ای از مطالب سراج التواریخ را پیدا کرده و برای چاپ به اداره حبل الله می‌فرستد. در سال ۱۳۶۹ شخص با درد و فرهنگ دوستی، فتوکی خطی و قسمت اخیر سراج التواریخ چاپ دولت، جلد سوم را به نحوی از کتابخانه ملی افغانستان بیرون کشیده و به ایران آورده و برای بازنویسی و چاپ در اختیار شهید مزاری قرار می‌دهد و ایشان در ابتدا قصد داشتند که این آثار توسط فرهنگیان حزب وحدت کار شده و توسط خود حزب به چاپ برسد. و بعد از مدتی از این نظر منصرف شده آقایان بصیر احمد دولت آبادی، جعفری و رحمانی را وظیفه می‌دهند که آن را بازنویسی کنند، سرانجام با تلاش زیاد قسمت اول آن کتاب گران بها پاک نویسی شده و در اختیار حبل الله قرار می‌گیرد و با کمی عجله در چاپ آن بدون توضیحات لازم به بازار عرضه می‌گردد. و قسمت اخیر سراج التواریخ چاپی از سوی شهید مزاری در اختیار انتشارات بلخ گذاشته می‌شود تا دوره سراج التواریخ به طور کامل به چاپ رسیده و در اختیار مردم قرار گیرد و شهید مزاری در نظر داشت که کتب نایاب تاریخی را تهیه و تکثیر نمایند.^{۲۱} به همین خاطر به عزیزان خارج رفته توصیه می‌کرد که در کتابخانه‌های لندن دنبال سند بگردند، و می‌گفت هروقت انگلیس سند سی ساله گذشته را فاش کرد ببینید درباره مردم ما چه گفته است، یک وقت دکتر ولایتی وزیر خارجه ایران را راضی کرده بود که در آرشیو وزارت خارجه ایران دنبال اسناد و مدارک مربوط به کشور بگردند، زمینه کار فراهم شده بود اما تعدادی مانع این کار شدند و طرح شهید مزاری ناکام ماند.^{۲۲}

۵- انکشاف ولایات مرکزی هزاره جات: شهید مزاری در سال ۱۳۶۵ در سفری به مناطق مرکزی هزاره جات این کتاب را نزد یکی از اهالی محل دیده به امانت می‌گیرد و شهید نعمت الله ابراهیمی را دستور می‌دهد که آن را بازنویسی کند و نام برده کتاب مذکور را بازنویسی کرده با خود به ایران می‌آورد. تا ارگان نشراتی سید جمال الدین حسینی آن را به چاپ برساند. اما این کتاب با تأخیر زیاد بعد از پیروزی مجاهدین توسط صحافی شهید عبدالخالق

^{۲۰} - مجله سراج، ش ۳ «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» ص ۱۰۹

^{۲۱} - پیشین، ص ۱۱۰

^{۲۲} - بصیر احمد دولت آبادی (مزاری شخصیت تاریخ ساز یا ساخت تاریخ).

با مقدمه آقای طاهری به چاپ رسید. شهید مزاری با وجود گرفتاری‌ها و مشکلات فراوان سیاسی و نظامی به اندازه‌ی توان تمامی مجلات و روزنامه‌ها و کتب مربوط به افغانستان را به طور مرتب مطالعه می‌کردند و به مجلات و روزنامه‌های خارجی که درباره افغانستان مطالب داشتند دستور می‌داد که جواب داده شود. گاهی خود ایشان نقدی را عنوان می‌کرد و دیکته می‌نمود تا به نویسندگان و نشریات ارسال شود. و ایشان به این مطلب توجه جدی داشتند که باید آثار مربوط به افغانستان از تمامی کتابخانه‌های دنیا جمع آوری گردد.^{۲۳}

۶- تلاش برای ایجاد یک پایه رادیو: کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ و به دنبال آن تجاوز روسها و شروع نهضت و مقاومت

اسلامی را می‌توان سرآغاز تهاجم رادیویی جهانی به کشوری بحران زده و نا امن افغانستان دانست، و در این میان مردمی که از سرنوشت و آینده خود نگران بودند رادیو را یگانه وسیله‌ای آگاهی بخش از حوادث کشوریافتند، لذا بیش از ۹۰ درصد مردم افغانستان به سوی رادیو روی آورده و اخبار و اطلاعات جنگ را از آن طریق دریافت می‌کردند، این کار باعث شده بود که مردم افغانستان به مشتریان بی چون و چرای بنگاه‌های خبرپراگنی غربی‌ها تبدیل شوند، و در صحنه رقابت تبلیغات جنگ افغانستان برد اصلی با رادیو، تلویزیون و ویدئو بود. مطبوعات در قدم دوم قرار می‌گرفت لذا رادیوهای جهانی از این فرصت جهت تبلیغ مرام خود فوق‌العاده استفاده کردند. غربی‌ها چندین حلقه فیلم درباره افغانستان ساختند و برنامه‌های رادیویی‌شان را چند برابر نمودند، احزاب و مجاهدین مستقر در پیشاور هم با استفاده از امکانات کشورهای غربی و عربی هر کدام برای خود رادیویی ایجاد نمودند از قبیل رادیویی حزب اسلامی آقای حکمتیار، رادیویی آقای احمد شاه مسعود، رادیویی آقای سیاف و دیگران ولی گروه‌های شیعه هیچ کدام نتوانستند که حتی یک پایه رادیو به وجود آورند؛ هم در دوران انقلاب از داشتن رادیو محروم بودند و هم بعد از پیروزی انقلاب رادیو و یا تلویزیونی نصیبشان نگردید. چون دولت کمونیستی کابل در ولایات شیعه نشین هزاره‌جات (بامیان، غور، غزنی، ارزگان، پروان وردک) رادیو و تلویزیونی به وجود نیاورده بود تا بعد از پیروزی مجاهدین نصیب شیعیان می‌شد. و شهید مزاری با نظر داشت نقش و اهمیت رادیو در جامعه تشیع پس از سفر سال ۱۳۶۰ خود به ایران طرح‌ها و برنامه‌های گوناگون را روی دست گرفت. از جمله تعدادی از جوانان که به دستور ایشان از جبهه به ایران آمده بودند در برنامه‌های آموزشی وزارت ارشاد اسلامی شامل ساخته شد تا عکاسی، طراحی، گرافیک، نقاشی و دیگر هنرهای تجسمی را بیاموزند که آنها فقط عکاسی را فراگرفتند و از رشته‌های دیگر خبری نشد. در کنار آن تعداد افراد در نظر گرفته شد تا با مسائل فنی بی‌سیم و رادیو آشنا گردیده و طریقه راه‌اندازی این وسائل را در مناطق آزاد شده کشور بیاموزند. و برای تهیه رادیو و تربیت کادرفنی آن زحمات زیادی را متحمل شدند و بسیاری از شخصیت‌ها و نهادها را که انتظار می‌رفت کمک کند ملاقات کرد. و بالاخره موفق گردید یک دوره دانشکده مخابرات را به جوانان افغانی اختصاص بدهند که این کار انجام شد عده‌ای از جوانان وطن فارغ‌التحصیل شدند. اما در خصوص تهیه رادیو تلاش‌های شهید مزاری با مشکلات فراوان رو به رو گردید در شرایط سخت و طاقت فرسایی قرار گرفته بود که حتی نمی‌توانست برای سید علی علوی یگانه محافظ شخصی

^{۲۳} - مجله سراج، ش ۳ «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» ص ۱۱۱

خود برگ تردد بگیرد. چند ماه کاملاً منزوی و طرد شده در قم به سربرد. ولی با آن هم تلاش می‌کرد برای هزاره‌جات از آلمان فرستنده رادیویی خریداری کند. وقتی از شهید مزاری پرسیده می‌شد که شما بدون برگ تردد نمی‌توانید تا مشهد بروید چگونه می‌توانید فرستنده رادیویی تهیه کرده و به هزارجات بفرستید؟ جواب شهید مزاری فقط خنده بود و چیزی نمی‌گفت. سرانجام با تمام مشکلات و سنگ اندازی‌ها در انتقال آن به هزاره‌جات به بن بست رسید.

شهید مزاری گذشته از مسأله ایجاد رادیو درباره ویدئو و ساختن فیلم نیز تلاش‌های فراوان انجام داد و به خاطر همین منظور چندین دستگاه ویدئو و دوربین فیلم‌برداری ویدئویی و دوربین سوپر ۸ خریداری نمود و به جهات فرستاد که دوربین سوپر ۸ نظر به شرایط زمان نتوانست کاری از پیش ببرد و تنها ویدئو و دوربین فیلم‌برداری ویدئویی به طور نسبی توانست تحولی ایجاد کند. که آن هم زود گذر و مقطعی بود و انتظار شهید مزاری برآورده نشد. شهید مزاری سعی داشت که یک گروه موسیقی متعهد و مسئول بوجود آید در این باره می‌گفت: (اگر ما نتوانستیم نوار موسیقی خوب و سازنده در اختیار مردم قرار دهیم، مردم نوار مبتذل و خراب آن را می‌شنوند. باید برای جوانان نوار موسیقی سازنده تهیه کرد) به همین لحاظ گروه‌های سرود را که به شکل ابتدایی وارد صحنه می‌شدند مورد تشویق و ترغیب قرار می‌داد و از آن‌ها حمایت می‌کرد که شاید روزی آرزویش را برآورده کنند.^{۲۴}

فصل دوم: دیدار با شخصیت‌های فرهنگی

همان گونه که شهید مزاری به کارهای فرهنگی علاقه داشت به شخصیت‌های فرهنگی نیز علاقه مند بود و آن‌ها را مورد احترام و قدردانی قرار می‌داد و رابطه بسیار گرم و صمیمی با تعدادی از فرهنگیان خارج از کشور داشت واز کارهای آن‌ها قدردانی نموده و شیوه فعالیت آن‌ها را به عنوان سرمشق و الگو برای دیگران معرفی می‌کرد.

۱- **صلاح‌الدین ایوبی:** صلاح‌الدین ایوبی شخصیت فرهنگی، سیاسی اهل ترکیه مقیم جمهوری اسلامی ایران که در کیهان ترکی زبان فعالیت می‌کرد یکی از دوستان نزدیک شهید مزاری بود که همیشه فعالیت‌های فرهنگی او را به عنوان الگو و نمونه برای فرهنگیان وطن از جمله ارگان نشراتی سید جمال‌الدین حسینی و دیگران معرفی می‌کرد و می‌فرمود: «کار را باید از صلاح‌الدین آموخت» حتی شهید مزاری زمینه ملاقات و رفتن مسئولین مجله حبل‌الله به خانه صلاح‌الدین را فراهم نمود تا هم با شیوه کاری او در جمع‌آوری مطالب و روش تحلیل‌های سیاسی و چاپ عکس شخصیت‌ها آشنا شوند و هم او را از نزدیک بشناسند. آقای صلاح‌الدین هم از همکاری با مجموعه‌ی حبل‌الله دریغ نکرده و همکاری خوبی را در زمینه انتشاراتی انجام می‌داد.^{۲۵}

^{۲۴} - مجله سراج، ش ۳، پیشین، ص ۱۰۶

^{۲۵} - مجله سراج، ش ۳ «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» ص ۱۱۲

۲- هانی فحص نویسنده فلسطینی : ایشان یکی از نویسندگان بلند آوازه فلسطینی و عضو هیأت تحریریه مجله العالم بود. و شهید مزاری احترام خاص به این شخص فرهنگی فلسطینی قائل بود و رابطه خوبی با او داشت و حتی او را چند بار در مرکز آموزشی فرحزاد آورد و یکبار در مراسمی از او به عنوان سخنران دعوت نمود و خود شهید مزاری وظیفه ترجمه را به عهده گرفت. و این بار هم شهید مزاری زمینه آشنایی کادر مجله حبل الله با هانی فحص را آماده ساخت تا از تجربیات او در کارهای فرهنگی به خصوص نشریات استفاده شود، و توصیه‌ای هانی فحص به مجموعه حبل الله این بود که در برخورد با حوادث باید عمیق باشید و سطحی موضع‌گیری نکنید که فردا دوباره به رد موضع خود نیاز پیدا کنید.

۳- یوسفی از مسئولان مجله الشهید : ایشان یکی از شخصیت‌های فرهنگی عراق بود که در مجله الشهید فعالیت داشت. گرچه از نگاه حزبی در حزب عمل عراق نبود اما براساس احساس مسئولیت فرهنگی با آن‌ها بود. و شهید مزاری این احساس فرهنگی او را می‌ستود و خطاب به مجموعه‌های فرهنگی می‌فرمود: که یوسفی باشید حزب و گروه مانع فعالیت شما نشود و یک فرهنگی باید هدف بالاتر از حزب و گروه داشته باشد.^{۲۶}

بخش چهارم: تلاشهای فرهنگی، بعد از تشکیل حزب وحدت

فصل اول: مجتمع آموزشی عالی شهید بلخی در قم

پس از تشکیل حزب وحدت اسلامی افغانستان که باز هم یکی از شاهکارهای سیاسی شهید مزاری است و با آمدن ایشان در خارج به عنوان سرپرست هیأت حزب وحدت علاوه بر فعالیت‌های سیاسی، در زمینه‌های فرهنگی نیز تلاش‌های سازنده‌ای را انجام دادند که دو طرح آن واقعاً قابل تعمق و بررسی است. یکی مجتمع عالی شهید بلخی در قم و دیگری تهیه و تدوین کتب درسی برای مدارس رسمی افغانستان، شهید مزاری با درک این واقعیت که آینده کشور نیازمند افراد متخصص و مسلکی است و این افراد هم باید در دانشگاه‌های خارج از کشور تربیت شود. لذا در صدد برآمد تا با استفاده از امکانات موجود در خارج و همکاری دوستان انقلاب و مردم افغانستان این خواسته را در ایران جامه‌ی عمل بپوشاند و پس از زحمات طاقت فرسا توانست «مجتمع عالی شهید بلخی» را بنیان گذاری کند که مسئولیت درسی آن را اساتید دانشگاه‌های کشور میزبان به عهده داشت و دانشجویان را در رشته حقوق تربیت می‌نمود و قرار بود که این دانشگاه فعالیت‌های علمی آموزشی خود را در چهار رشته علمی نظیر علوم سیاسی، حقوق، مدیریت دولتی، تربیت معلم با ظرفیت چهارصد نفر در هر دوره کارشناسی شروع و به انجام برساند. در سال ۶۹ ساختمانی تهیه و برنامه‌های درسی شروع گردید در مدت چهار سال با صرف هزینه‌ای حدود شش میلیون تومان به تعداد ۶۳ نفر لیسانس در رشته حقوق از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شدند که با فارغ‌التحصیل شدن جمعی از طلاب و دانشجویان از این دانشگاه آثار مثبت آن را می‌توان در روزنامه‌ها، مجلات و مطبوعات و امور فرهنگی و علمی مهاجرین در خارج از کشور مشاهده نمود. وبعد از این تاریخ بود که مفاهیم هم چون قانون اساسی، حقوق سیاسی و مانند این‌ها در مطبوعات و رسانه‌های نوشتاری مهاجرین مطرح شده و مورد بحث و گفتگو

قرار گرفت. این نهاد آموزشی، فرهنگی امیدواری‌های فراوان را به وجود آورده بود که هرگاه ادامه پیدا می‌کرد می‌توانست در آینده کشور نقش برجسته بازی کند که متأسفانه پس از یک دوره فعالیت خوب نظر به وضعیت و شرایط پیش آمده تعطیل شد.^{۲۷}

۲- تهیه کتب درسی برای مدارس رسمی کشور: شهید مزاری دریافت کرده بود که به زودی پس از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان بحران فرهنگی در جامعه حاکم می‌گردد (چنانچه این نظر درست از آب درآمد که امروز شاهد آن هستیم) درسفر اخیر خود به ایران با اینکه گرفتاری‌های زیادی داشت و تمام وقت مشغول سروسامان دادن به دفاتر حزب و اعزام کاروان به داخل بودند باز هم برای پیشگیری از آن در آینده و همچنین برای اصلاح کتب درسی تعدادی از عناصر فرهنگی را موظف کرده بود که تا برای مدارس افغانستان کتب جدید تهیه نمایند زیرا در دوره جهاد هر گروه مطابق میل و خواست خود برای دانش آموزان مدارس تحت حاکمیت خویش مواد درسی تهیه کرده و در اختیارشان قرار داده بودند و از قرار معلوم مقداری از این کتب نوشته و آماده چاپ شده بود که شهید مزاری بار سفر بست و به داخل برگشت و این طرح سازنده همچون خیلی از طرح‌های مفید دیگر عقیم مانده به سرانجام نرسید.^{۲۸} و هم چنین طرحی داشتند برای تأسیس یک نهاد فرهنگی که بتواند تاریخ انقلاب اسلامی افغانستان را تدوین کنند. در این باره با بعضی از برادران فاضل صحبت کرده بود و قرار بود طرح را در جمع شورای مرکزی حزب وحدت در بامیان به شور بگذارند و بعد از تصویب کار شروع شود. اما چیزی نگذشت که حوادث مزار شریف و بعد از آن آزادی کابل پیش آمد و شهید مزاری به استقبال آن حوادث بزرگ رفت و مسائل پیگیری نشد.^{۲۹}

۳- مدرسه خاتم‌الانبیا در کابل: شهید مزاری به خوبی می‌دانست که هر نوع طرح و برنامه ولو مفید و سازنده در بیرون از مرزهای کشور بقاء و دوامی نخواهد داشت چرا که باحوادث دچار نوسانات می‌گردد. طبق ضرب‌المثل معروف (درخت سرزمین مردم کاشتی صدای تیر می‌آید) این جا بود که با پیروزی انقلاب و تشکیل حزب وحدت، طرحی را که سالها درسر داشت، پس از استقرار در کابل روی دست گرفت و کار تأسیس یک دانشگاه بزرگ اسلامی را شروع کرد. شرح این ماجرا را به نقل از هفته نامه وحدت چنین می‌خوانیم «سنگ تهداب مدرسه خاتم‌الانبیا قبل از ظهر روز پنج‌شنبه ۱۳۷۲/۸/۱۳ با حضور شخصیت‌های سیاسی جهادی، وزرای دولت اسلامی، نمایندگان احزاب جهادی و مسئولین گروه‌ها و صدها تن از مردم مسلمان و خداجوی کابل، توسط استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان گذاشته شد.» مدرسه خاتم‌الانبیا با در نظر گرفتن یک باب شفاخانه مجهز با هفتصد بسترو مسجد بزرگ و منازل رهاشی برای محصلین و یک سوپر مارکت در مساحت ۳۶ جریپ (۳۶ هزار متر) اعمار می‌گردد. این مدرسه با گنجایش بیش از ۷۰۰۰ نفر به سبک مسجد الفیصل که در اسلام آباد پاکستان

^{۲۷} - هفته نامه همبستگی، ش ۶۹، «شهید مزاری عصاره مردم هزاره بود»، ص ۱۸-۱۹

^{۲۸} - مجله سراج، ش ۳، «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» ص ۱۰۴

^{۲۹} - مجله سراج، ش (۳-۴)، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۲۲

قرار دارد بدون ستون استوار می‌گردد که در آن طلاب مذاهب مختلف بدون هیچ گونه تبعیض و تعصبی به ادامه تحصیل بپردازند.^{۳۰}

فصل دوم: طرح نهضت جهانی اسلام

از آنجایی که اسلام یک آیین جهانی و مکتب بین‌المللی فراملیتی است، لذا هر فرد انقلابی در جنبشهای اسلامی باید رسالت خود را در سطح یک کشور و یک ملت و یک نژاد محدود نکند و اگر در قلمرو همه بشریت نیندیشد حد اقل جهان اسلام و ملیت‌های مسلمان را بسترکار خود قرار دهد، شهید مزاری که تربیت یافته دامن اسلام و حوزه علمیه بود و به اسلام به چشم یک مکتب مبارز و انسان ساز و نجات بخش می‌نگریست و سیاست مبارزه را هم در چوکات اصول و ارزشهای دینی و دستورات شریعت اسلام ارزیابی می‌کرد. مجموعه نهضت‌های اسلامی در سراسر جهان را از یک خانواده و دارای یک هدف و یک آرمان می‌دانست و او خود یکی از فرزندان رشید و دلیر و انقلابی این خانواده بزرگ و مقدس بود. که در قله‌های سر به فلک کشیده بابا پرچم توحید را به اهتزاز درآورد و بانگ رهایی‌بخش «لا اله الا الله» را سرداد و با طاغوت و طاغوتیان به مبارزه برخواست بود. اومی دانست که برای تحقق اندیشه نهضت جهانی اسلامی در مرحله اول باید مرزهای نژادی، ملی و فرقه ای را از بین برداشت و در مرحله بعد زمینه تشکیل امت واحده و رهبری واحد جهانی را فراهم ساخت. لذا در یکی از مصاحبه‌هایش در رد و طرد ملی‌گرایی و نژادگرایی می‌فرماید: «استکبار جهانی برای ضربه زدن به اسلام و تضعیف مسلمانان مسأله ملی‌گرایی را در جوامع مسلمین به وجود آورده تا با پارچه پارچه کردن امت اسلام بهتر به مقاصد شوم شان نایل آیند ... ما نظر به اعتقادات اسلامی مان به هیچ وجه مسئله ملی‌گرایی را قبول نداریم و با این پارچه پارچه شدن سرزمین‌های اسلامی نیز موافقت نداریم ما معتقدیم که مسلمانان امت واحده اسلامی هستند از هر ملت و نژاد که باشند باید تحت لوای اسلامی و مکتب اعتقادی اسلامی جمع شوند»

شهید مزاری درباره وظیفه نهضت‌های اسلامی و راه‌های تشکیل امت واحده اسلامی و مشکلات آن می‌فرماید: «طبق مبانی اسلامی مسلمانان یک امت واحده اند و دارای رهبری واحد که همان اولوالامر باشد که در قرآن کریم آمده، در شرایط اولوالامر از نظر فقه شیعه و سنی اگر درست بررسی شود چندان اختلافی نیست گمان می‌کنم که کسی از مسلمانان پیدا نخواهد شد که به امت واحده اسلامی معتقد نباشند بحث در این است که در شرایط کنونی که استعمار و دشمنان اسلام سرزمین‌های اسلامی را تکه و پاره نمود و ملیت‌ها را از هم جدا ساخته اند، تطبیق دادن رهبری واحد چیست و چگونه می‌توان امت واحده به وجود آورد؟ کسانی که در این باره فکر می‌کنند و این همه پراکندگی را مشاهده می‌کنند با این همه تعدد ملت‌ها و کشورها، این نظر برای شان محال جلوه می‌کند که یک شخص بیاید رهبری این همه جوامع پراکنده را به عهده گیرد و ملت‌ها هم از او اطاعت کنند؟ گرچه این مسأله از نگاه مذهبی کاملاً حل شده است زیرا در گوشه از این جهان یک «جمهوری اسلامی» بوجود آمده و یک حکومت اسلامی روی کار است و ملت‌های مسلمان تحت قیادت این رهبری به پا خیزند و اسلام را

^{۳۰} - هفته نامه وحدت، ش (۱۲۴-۱۲۵)، ص ۴، ص ۵

گسترش دهند و با مبارزه و پشتکار حکومت‌های غیراسلامی را ساقط ساخته و امت واحد اسلامی را تشکیل دهند. در زمان حضرت علی (ع) چند کشور بزرگ اسلامی وجود داشت که تحت اراده یک حکومت بود مانند: مصر، ترکیه، ایران، عراق، شام و جزیره العرب که هر کدام به عنوان یک ولایت از حکومت مرکزی اطاعت می کردند و لذا تشکیل امت واحده اسلامی محال نیست، رهبری واحد و تشکیل امت واحده در شرایطی میسر خواهد بود که نظام‌های وابسته به استکبار از سرزمین‌های اسلامی دور ریخته شوند و مرزهای ملیت و قومیت از بین برود.^{۳۱}

شهید مزاری با تمام سران نهضت‌های اسلامی در ارتباط بود و بسیاری از آنها را از نزدیک می‌شناخت و یک بار با تعدادی از آنها طرح نهضت جهانی اسلام را روی دست گرفتند. و در این باره کارهای زیادی انجام دادند، دفتری در تهران گرفتند و مقدار کتاب در زمینه‌های مختلف تهیه و فضا را برای تحقیق و مطالعه روی نهضت‌های جهانی آماده نمودند که وقوع یک تحول سیاسی کل برنامه‌ها را به هم ریخت و شهید مزاری هم در سال ۱۳۶۵ ایران را ترک نمود و سران نهضت‌های اسلامی هم هر کدام به نحوی از ایران بیرون شدند.^{۳۲}

محمدکریم خلیلی موضع دیدگاه‌های شهید مزاری درباره طرح نهضت جهانی اسلامی را این گونه بیان می‌کند. «استاد مزاری در شرایطی وارد مبارزه شد که فضای خارج فضای مساعد بود. هماهنگی با چهره‌های انقلابی و مبارزاتی خارج کشور وجود داشت و شهید مزاری از این شرایط به خوبی استفاده کرد با اکثریت مبارزان جمهوری اسلامی که فعلاً از مسئولین بزرگ نظام است و در آن زمان در شکل‌گیری این نظام تلاش می‌کردند آشنایی پیدا کرده بود. به خصوص یکی از مخلصین و ارادتمندان حضرت امام بود و آشنایی خوبی با حضرت امام داشت و هم چنین چهره‌های علمی و انقلابی کشورهای مسلمان دیگر مانند: عراق، لبنان، فلسطین، بحرین، کشمیر و پاکستان را به خوبی می‌شناخت. و بنا براین بود که مبارزات اسلامی که تا حالا اوج گرفته هماهنگ و هم سو شوند و ارتباط عمیق مبارزاتی به وجود بیاید و تمام مبارزین مسلمان چه سنی چه شیعه همه باهم در قالب «مسلمانان مبارز انقلابی» متحد شوند و شهید مزاری نقش برجسته در این راستا داشت و با اکثر چهره‌های علمی و انقلابی مسلمانان کشورهای اسلامی در ارتباط بود». ^{۳۳} شهید مزاری خواهان تشکیل حکومت اسلامی آن هم حکومت جهانی اسلام تحت رهبری واحد بود و خود بارها این سؤال را از شخصیت‌های مهم نهضت‌های جهانی اسلام پاسخ گرفته بود. و خود می‌گفت: «ما در نظر داریم که یک امت واحده اسلامی در سراسر جهان اسلام به وجود بیاید و راه رسیدن به این هدف عالی همان هماهنگی نهضتها و پیشتازان امت اسلامی است...» ^{۳۴} این بود گوشه‌ای از فعالیت‌های علمی و فرهنگی رهبر شهید، برای احصای تمام این فعالیتها کتاب قطوری لازم است تا حق سخن را ادا کند که در این مختصر نمی‌گنجد.

^{۳۱} - روزنامه جمهوری اسلامی ایران، «یادواره اربعین استاد شهید مزاری» پنج شنبه، ۱۳۷۴/۱/۲۱، ص ۷

^{۳۲} - ۸ بصیر احمد دولت آبادی، «مزاری شخصیت تاریخ ساز یا ساخت تاریخ»

^{۳۳} - زنده تراز تو کسی نیست «تراوشهای روشن» ص ۷۲

^{۳۴} - مجله سراج، س ۳، ش ۱۱، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۳۹

منابع و مأخذ

- ۱- مجله سراج، «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری» ش ۳، س ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۹۵ تا ۱۱۴.
- ۲- هفته نامه همبستگی، «ویژه نامه ششمین سالگرد شهادت شهید مزاری» ش ۶۹، س ۳، ۱۷ حوت ۱۳۷۹، ص ۱۶.
- ۳- مجله سراج، س ۳، ش ۱۱، بهار ۱۳۷۶، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.
- ۴- هفته نامه وحدت، ش ۱۴۶، چهارشنبه ۱۷ حوت ۱۳۷۴، قم، صاحب امتیاز حزب وحدت اسلامی افغانستان.
- ۵- زنده ترازو کسی نیست، «ویژه نامه سالگرد شهادت شهید مزاری»، به کوشش حمزه واعظی، بهار ۱۳۷۸، قم، کمیسیون فرهنگی هفته نامه وحدت.
- ۶- فصل آزادی، ستاداستقبال از هیئت...، زیر نظر مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، پاییز ۱۳۷۲، قم چ یاران.
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی ایران، «یادواره اربعین استاد شهید مزاری» پنج شنبه، ۱۳۷۴/۱/۳۱.
- ۸- مقاله «مزاری شخصیت تاریخ ساز یا ساخت تاریخ» بصیر احمد دولت آبادی، دوشنبه ۱۶ حوت ۱۳۸۹-.
- ۹- مجله سراج، س ۱، ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۷۴، قم، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان.
- ۱۰- هفته نامه وحدت، ش (۱۲۴-۱۲۵)، س ۴، تا ۱۸/۹/۱۳۷۲، قم، صاحب امتیاز حزب وحدت اسلامی افغانستان.
- ۱۱- فریاد عدالت «مجموعه مصاحبه های استاد مزاری» مؤسسه فرهنگی شهید سجادی، چ ۱۳۷۳.
- ۱۲- احیاء هویت «مجموعه سخنرانی های استاد شهید مزاری» مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، زمستان ۱۳۷۴، قم، چ نمونه.

بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۸۸
جمعه خان امیری

دانشجوی دکتری فقه قضایی

۱۳۹۵/۱۱/۱۹